

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۷ دسمبر ۲۰۱۵

سر تاس از پاکی خلاص!!!

پورتال "افغان جرمن"، که با کناره گیری جناب "ولی احمد نوری"، عُنصر "افغان" از آن رخت بریسته است، عجیب یک سایت بی سر و بی پای است، عیناً به مانند "تُکری بقه". آنان که زبان عوام کابلی را دریافته اند، معنای "تُکری بقه" را خوب میدانند و می دانند، که ازین ترکیب کنائی فقط "بی انضباطی" و "بی پرنسیپی" و "هرج و مرج" متصور است و بس!!! هر قدر فکر میکنم، نمیتوانم معترف نباشم که:

هیچ کدام نقطه و نکته درست و مثبت در این وبسایت دیده نمیشود؛ بالجزم و بالتام!!!

در تالاق اکثر مطالب منتشره این وبسایت این جمله متحدالمال و "هشت رخ نه گرد" را حک کرده اند:

«مسئولیت محتوی، استعمال کلمات و جملات درین نوشته بدوش نویسنده مطلب میباشد»

این جمله که اصلاً جمله اش هم نباید خواند - چون جمله با "نقطه" ختم میشود و این به اصطلاح "جمله"، "نقطه" را نمیشناسد!! - سر تاپای غلط است و غلط اندر غلط:

- از نگاه اصول و پرنسیپ و منطق - غلط!!!

- از نگاه لغت و "صرف و نحو" و املاء - غلط!!!

¹ - "تاس" کلمه ای ست دری، که اعراب آن را مُعَرَّب ساخته و "تاس" می نویسند. دری زبانان مگر نباید این کلمه دری را که از اصل "پهلوی" برخاسته است، در هر معنایی که از آن متصور باشد، به "ط" بنویسند!!!

² - یک وقتی پورتال "افغان جرمن آنلاین" صاحب نام و نشان و خصلت و صلابت بود، بعد دیدیم، که در ۴ ماه جون ۲۰۰۸ چهار نفر از اعضای پیشتاز و مترقی آن، این وبسایت را ترک گفته و آن را دچار سردرگمی ساختند؛ و این بود "اولین تجزیه افغان جرمن". اینک دیدیم، که آخرین عضو قابل اعتبار این وبسایت - که در واقع پدر "افغان جرمن آنلاین" بود، نیز ازین وبسایت خارج گردیده و وبسایت جدید و متین "آریانا افغانستان آنلاین" را تأسیس کرد؛ و این دومین ضربه ای ست، که به این وبسایت رسیده و در واقع آن را دو شق ساخته است!!!

³ - کلمه "صرف و نحو" را باری یکی از دو "استاد ادب دری" - یعنی خانم پوهندوی "شیمیا جان غفوری" - در هیئت "صرف و نحو" نوشته بود و استاد بدماشش؛ "هاشمیان" نیز عیناً همان غلط شاگرد "وفادارش" را در نوشته خود نقل کرده بود. یار!!! مه میگم:

آفرین بدین "استاد" و این "استادساز" بی سر و بی سر!!!

– از نگاه ذوق و سلیقه – هم غلط!!! مگر؛

«شتر را گفتند، که گردنت کج است؛ گفت: کجایم راست است، که گردنم کج باشد؟؟؟»

این ضرب المثل کابلی "تک و پتره" و "کُت و مُت" در شأن سایت "افغان جرمن" میخواند، که منکرش را باید کافر و زندق و مُلجد خواند – البته نه به حساب "هاشمیان آویازک"، که در "چتاقی و داره ماری و نرادی و هزاران خرگری و خبائت دیگر"، سر هزاران "آرسن لوپن" را خاریده است!!!

و بیائید که سر همین یک جمله کمی مسقرگی کنیم. اگر این جمله را از نگاههای مختلف باز کنیم، "اوسانه سرمنگسک" ازش درست میگردد، مگر اندک انصاف هم خوب شیء است؛ ازین رو فقط از نگاه لغت و گرامر و املاء بدان نظر می اندازیم:
یک بار دیگر آن به اصطلاح جمله:

«مسئولیت محتوی، استعمال کلمات و جملات درین نوشته بدوش نویسنده مطلب میباشد»

اگر درین جمله کلمه نیرنگی "مسئولیت" را مییابیم، که درست نوشته شده است، از خیرات سر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" و سیستم املائی آن است. میدانیم که "افغان جرمن" هم از شاگردان این سیستم است و سخت تلاش دارد، که لااقل کلمات را طبق رهنمودهای داهیانة پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" بنویسد. اما کاش بیایند و زانوی تلمذ بزنند، و قند و دستمال بمانند، تا در قدم اول رُموز املاء و انشاء را برایشان یاد بدهیم!!! در هر صورت، همین که بعض نکات را از ما یاد میگیرند، غنیمت است، ولو که اقرار هم نکنند و هرگز نمیکنند!!!

چرا "افغان جرمن" فرق "محتوی" و "محتوا" را نمیداند؟؟؟

"مسئولیت محتوی" یک مبتدای غلط است و باید "مسئولیت محتوا" مینوشتند!!!!

"صرف عربی" به ما می آموزاند، که "محتوی" و "محتوا" از مصدر "احتواء" برخاسته اند. کلمه "إحتواء" مصدر باب "افتعال" عربی ست، که فاعلش "محتوی" – "دربرگیرنده" یا "احتواء کننده" – و مفعولش "محتوا" – "دربرگرفته شده" یا "احتواء کرده شده" – میباشد. اما "هاشمیان بیسواد" همیشه تبلیغ میکند، که "صرف عربی" به درد دری زبانان نمیخورد؛ یعنی چه؟؟؟ یعنی که آنچه را خود "هاشمیان" یاد ندارد، فکر میکند بیهوده و غیر لازم است!!! اگر "هاشمیان" از "صرف عربی" اندک بوئی میبرد، هرگز چنین بدی را نمیکرد و نمیگفت، که "صرف عربی" برای زبان دری/فارسی فائده ای ندارد!!! بلی؛ این باریکی را "صرف عربی" به ما یاد میدهد، که "هاشمیان و ماشمیان" از آن بوئی نبرده اند!!!

و وقتی "محتوا" گفتیم، تمام نکاتی را در بر میگیرد، که در متن گنجانیده شده است. ازین رو آوردن "استعمال کلمات و جملات درین نوشته" کاملاً اضافی و زائد است!!! ترکیب "به دوش"

4 – کلمه "مسخره" را که کلمه ای ست عربی، در زبان مُحاوره و خصوصاً زبان عوام کابلی "مسقره" تلفظ میکنند. بعضاً مگر کلمات فقط با تغییر شکلی که در کلام اهل زبان خورده است، معنی و مفهوم مطلوب را افاده کرده میتواند، نه خود اصل لغت. از همین قبیل است کلمه "مسقره"، که اگر اصلش را استعمال کنیم، مفهوم مراد را بالتمام افاده کرده نمیتواند. از همین سنخ اند کلمات "مزاق" و "ملاقه" و "ملاق" که اگر اصل آنها را مد نظر بگیریم و "مزاح" و "ملعقه" و "معلق" بگوئیم، مفهوم کاملاً دیگرگون می شود!!! درین مورد در مقالات نهمارم در "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" زیاد و مبسوط بحث کرده ام.

همین طور و جدا از هم باید نوشته شود، زیرا اگر "بدوش" بنویسیم، امر به "دوشیدن" میشود، که درینجا مفهومی ندارد!!!
تمام جمله بدقواره و کشال "افغان جرمن" را از بهر مثال بدین صورت میتوان کوتاه کرد:

«مسئولیت محتوا، به دوش نویسنده است!!!»

یا

«نویسنده مسؤول نوشته خود است!!!»

و یا

«هر نویسنده مسؤول نوشته خود است!!!»

اما؛ اگر نویسنده مسؤول نوشته خود است - که طبعاً و بدون گفتن هم چنین است - پس وظیفه تو چیست؟؟؟ و تو؛

تو کیستی و چیستی؟؟؟

تو مگر فقط و فقط "پوسته چی" ستی، یا که کدام رسالت دیگر هم داری!!!
گفتن "سر تاس و از پاکی خلاص" و اتمام حجت کردن، کسی را به جایی نمیرسد!!!
اما عقل کجا باشه؟؟؟
و طوطیان کابل نازنین چه خوب ریز میدادند، که:

«عقل نباشه، جان ده عذاب اس!!!»

«عقل نباشه، جان ده عذاب اس!!!»

«عقل نباشه، جان ده عذاب اس!!!»

(عقل نباشد، جان در عذاب است!!!)